

دکتر گری میدورز، رساله اول قرن‌تیان، سخنرانی ۸

ادامه مقدمه رساله اول قرن‌تیان و ساختار رساله اول قرن‌تیان

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر گری میدورز هستم در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان. این سخنرانی هشتم، ادامه مقدمه‌ای بر اول قرن‌تیان و ساختار اول قرن‌تیان است.

خب، دوباره به یک سخنرانی دیگر در مورد اول قرن‌تیان برای آموزش الکترونیکی کتاب مقدس خوش آمدید.

و همانطور که قبلاً اشاره کردم، من گری میدورز، مربی شما در این مجموعه در مورد رساله اول قرن‌تیان هستم. ما در مقدمه خود در مورد تعدادی از موارد صحبت کرده‌ایم و اکنون به آن بخش می‌رسیم، تقریباً در پایان مقدمه، اما در ابتدای بررسی متن اصلی رساله اول قرن‌تیان. شما باید دفترچه یادداشت شماره ۵ خود را داشته باشید و به صفحه ۴۴ در آن دفترچه یادداشت بروید. خواهید دید که ما تازه ویژگی‌های اساسی رساله‌های قرن‌تیان را تمام کرده‌ایم و می‌خواهیم در مورد برخی از مسائل ساختاری در رساله اول قرن‌تیان صحبت کنیم.

امروز، ما به آن خواهیم پرداخت، و ممکن است در واقع کمی به دفترچه یادداشت شماره ۶ در اول قرن‌تیان فصل ۱، آیات ۱ تا ۹ بپردازیم. خواهیم دید که وقت ما چگونه می‌گذرد، و در نتیجه، شاید بخواهید نوار یا کامپیوتر را متوقف کنید و دفترچه یادداشت شماره ۶ را بازیابی کنید تا بتوانید هر دو بسته، پایان بسته ۵ و بسته شماره ۶ را در دسترس خود داشته باشید. همه اینها در فهرست مطالب است که احتمالاً قبلاً به آن نگاه کرده‌اید، و از قبل این را می‌دانستید. بنابراین، بیایید اکنون در مورد ساختار اول قرن‌تیان صحبت کنیم.

حالا، از بسیاری جهات به بخش جالب ماجرا می‌رسیم، با نگاهی به اینکه پولس چگونه این کتاب را نوشته و به ما منتقل کرده است. در پایین صفحه ۴۴ متوجه خواهید شد که ما این نظر را مطرح می‌کنیم که اول قرن‌تیان از دو الگوی ادبی برای نشان دادن ساختار کلان خود استفاده می‌کند و بیایید در ادامه به صفحه بعد به آن نگاه کنیم. ساختار اول این است که او سه جمله بیان می‌کند که هنگام نوشتن کتاب اول قرن‌تیان به راحتی قابل مشاهده هستند و این سه جمله باید توجه ما را جلب کنند.

2011 NIV اگر به کتاب مقدس خود در اول قرن‌تیان ۱:۱۱ نگاه کنید، برادران و خواهران من، ما دوباره در این نظر را داریم که برادران را می‌گیرد و آن را به آنچه که در نظر دارد تبدیل می‌کند، یعنی برادران و خواهران. این زنان را مستثنی نمی‌کرد، بنابراین این چیزی است که شما آن را یک مورد خاص‌تر جنسیتی می‌نامید، که شامل هر دو طرف حصار می‌شود. برادران و خواهران، که برخی از آنها از خانواده کلوی هستند، به من اطلاع داده‌اند که بین شما اختلافاتی وجود دارد.

بنابراین، پولس از یکی از کلیساهای خانگی در قرن‌تس اطلاعاتی در مورد مشکلات قرن‌تس، یعنی آیه ۱:۱۱ دریافت کرده است. بنابراین، آیه ۱:۱۱ در واقع ما را با اولین بخش اصلی کتاب اول قرن‌تیان آشنا می‌کند، و آن فصل‌های ۱ تا ۴ خواهد بود. دومین جمله‌ای که باید به آن بپردازیم در فصل ۵ و آیه ۱ است. در واقع گزارش شده است که در میان شما فساد جنسی وجود دارد، و از نوعی که حتی بت‌پرستان نیز آن را تحمل نمی‌کنند. بنابراین، در اینجا اطلاعات بیشتری وجود دارد، در واقع گزارش شده است.

حال، آن گزارش می‌تواند اطلاعاتی باشد که پولس از منبعی دریافت کرده است. ما دقیقاً مطمئن نیستیم، اما به اندازه کافی بین فصل‌های ۴ و ۵ گذار داشته‌ایم که متوجه شویم اکنون یک واحد درسی در راه است. فصل‌های ۵ و ۶ به این مسائلی که گزارش شده‌اند می‌پردازند و به نظر می‌رسد که گرایش جنسی بالایی دارند.

در واقع، او حتی این را می‌گوید. در میان شما فساد جنسی وجود دارد. پولس در فصل‌های ۵ و ۶ درباره موارد مختلفی صحبت می‌کند، نه تنها مشکلات جنسی، بلکه مشکلات دادگاه را نیز شامل می‌شود.

در نهایت همه چیز به جایگاه و مقام مربوط می‌شود، اما این بخش بعدی است. سپس، آیه اصلی بعدی فصل ۷ و آیه ۱ است. حالا به سراغ مسائلی که در موردشان نوشتید، می‌رویم. بنابراین، در اینجا منبع سوم اطلاعاتی وجود دارد که پولس به آن پاسخ می‌دهد: مسائلی که در موردشان نوشتید.

و همانطور که کمی بعد با جزئیات بیشتری خواهیم دید، آیه ۱:۷ ما را در تمام طول رساله همراهی می‌کند تا به پایان این نامه برسیم. بنابراین ۱:۱۱، ۱:۵ و ۱:۷ شاخص‌های سازمانی بزرگی از محتوای این رساله هستند. حال، این مهم است زیرا زمینه آن است.

این یعنی وقتی به فصل‌های ۱ تا ۴ نگاه می‌کنیم، باید آنها را به عنوان واحدی ببینیم که از ۱:۱۱ نشأت می‌گیرد. وقتی به فصل‌های ۵ و ۶ نگاه می‌کنیم، باید آن را به عنوان واحدی ببینیم که از ۵:۱ نشأت می‌گیرد. و وقتی به ۱:۷ و بعد از آن نگاه می‌کنیم، باید آن را به عنوان واحدی ببینیم که از پاسخ پولس به چیزهایی که در مورد آنها نوشته شده است، ناشی می‌شود. بنابراین، این به ما سه واحد اصلی در بدنه اصلی نامه می‌دهد، و در مورد این واقعیت صحبت خواهیم کرد که یک سلام و یک اختتامیه نیز در آن دخیل است. بنابراین، ما آن جمله اول را داریم.

اینها شاخص‌های اصلی هستند. حال، مورد دوم در متن درونی است و نسبتاً ثابت است، اما استفاده پولس از یک عبارت است. در یونانی، به آن «پیش از مرگ» می‌گویند.

در واقع این یک روش اصطلاحی برای گفتن «الان در مورد» است. کلمه «مرگ» که در جایگاه دوم قرار می‌گیرد و موقعیت عادی آن است، یک حرف ربط است. می‌تواند به معنی «و» باشد، می‌تواند به معنی «اما» باشد، یا می‌تواند به معنی «اکنون» باشد.

یک حرف اضافه است، و وقتی این دو چیز را کنار هم قرار می‌دهید، حتی عبارت حرف اضافه بعدی *peri* و به معنای «اکنون در مورد» است *peri-death* را هم ندارید، اما یک ساختار اصطلاحی دارید که در آن نسخه ۱۹۰۱، را *ASV*، ترجمه‌های رسمی قدیمی‌تر آن را به این صورت ترجمه می‌کنند. برای مثال، اگر شما «می‌خواندید که یک ترجمه بسیار رسمی است، هر بار که این عبارت می‌آید، می‌گفت «اکنون، در مورد».

این مورد در مورد برخی از نسخه‌های دیگر صدق نمی‌کند و شما فقط باید مراقب آن باشید. در دو ستونی استفاده کرده‌ام تا بتوانید ترجمه مربوط به آن را ببینید. اگر اتفاقاً *ASV* که در صفحه ۴۵ به شما داده‌ام، از یونانی را می‌فهمید، و اگر هم نمی‌فهمید نگران نباشید، مسئله مهمی نیست، اما من آن را برای کسانی که ممکن است علاقه‌مند باشند اینجا قرار داده‌ام.

می‌توانید آن را در ستون سمت چپ ببینید. بیایید نگاهی به این موارد بیندازیم. در ۱:۷، حالا در مورد چیزهایی که نوشتید،

در ۷:۲۵، حالا در مورد باکره‌ها، من هیچ حکمی از جانب خداوند ندارم. بعداً در مورد آن صحبت خواهیم کرد، منظور او از آن چه بوده است. در ۱:۸، حالا در مورد چیزهایی که برای بت‌ها قربانی می‌شوند.

سپس در ۱۲:۱، اکنون در مورد عطایای روحانی. در ۱:۱۶، اکنون در مورد جمع‌آوری مقدسین. سپس در را داریم، اما در مورد آپولس، برادر، من از او بسیار التماس کردم ASV جالب اینجاست که ترجمه ۱۲:۱۶ که نزد شما بیاید.

اما اگر به متن یونانی آیه ۱۲:۱۶ نگاه کنید، لازم نیست یونانی بلد باشید تا این را بفهمید. بعد از ارجاع به و بعد چیزی، peri، آیه، کلماتی را می‌بینید که در واقع کمی شبیه انگلیسی هستند، هرچند یونانی هستند است. بنابراین، ساختار یکسانی دارد و می‌توانست peri det باشد، که de دارید که به نظر شما شاید شبیه ترجمه شود، حالا جای بحث دارد.

استفاده شده peri det بنابراین، ما چند شاخص اصلی در این زمینه داریم. جاهای دیگری هم داریم که از است. من این را در صفحه ۴۶ آورده‌ام، مانند اول تسالونیکیان ۴:۹ و ۵:۱، جایی که پولس با استفاده از زمینه‌ای را معرفی می‌کند، peri det، همان نوع ساخت، همان نوع ساختار.

بسیار خوب، نکته جالب این است که لازم نیست وقت زیادی را صرف فهمیدن ساختار کتاب اول قرنتیان را داریم، و این فقط به صورت منطقی در موضوع مطرح شده peri de کنیم. ما این سه شاخص را داریم، و است. کتاب‌های دیگر بسیار متفاوت طرح شده‌اند.

این رساله اول قرنتیان از این نظر منحصر به فرد است، و این منحصر به فرد است زیرا ما این تبادل نظر را بین پولس و مؤمنان قرنتیان در مورد تعدادی از مسائل داریم و آنها فقط این موارد را حذف می‌کنند. بنابراین این ساختاری است که ما دنبال خواهیم کرد، و اگر به منابع تفسیری خود با دقت نگاه کنید، متوجه خواهید شد که همه تفسیرها در امتداد این خطوط ساختاری تنظیم می‌شوند. آنها ممکن است هر از گاهی در زیرساخت متفاوت باشند، اما در ساختار اصلی، به این شکل طرح ریزی می‌شوند.

حالا، من اینجا چیزی را به شما نشان می‌دهم که کمی بیشتر شبیه چیزی است که من آن را رویکرد غربی می‌نامم. اگر توجه کرده باشید، در صفحه ۴۶، دو طرح کلی به شما داده‌ام، یکی برای اول قرنتیان، و یکی هم برای دوم قرنتیان، که از یک کتاب قدیمی‌تر است، اما این فقط برای راحتی شماست. بسیار خوب، اول قرنتیان، سخنان مقدماتی، ۱ تا ۹، این درود بر اصل مطلب است.

سپس پاسخ پولس به ابلاغ شفاهی از خانه کلویی، از باب ۱ تا ۱۰، فصل ۴ را داریم. سپس پاسخ پولس به گزارش‌ها یا شایعات شفاهی خاص در فصل‌های ۵ و ۶ را داریم که به زنا، مسائل جنسی و دعاوی حقوقی می‌پردازند. سپس ۷:۱ در عدد رومی ۴، پاسخ پولس به ابلاغ کتبی از قرنتس، از باب ۷ تا ۱۶ و ۴ را داریم و در آن، تمام این مواردی را که او بررسی می‌کند، داریم. در فصل ۷، موضوع ازدواج و تمایلات جنسی، و سپس در باب‌های ۸ تا ۱۰، این گوشت به سوالات بت‌ها ارائه می‌شود.

در فصل ۱۱، نظم کلیسای را داریم. در فصل‌های ۱۲ تا ۱۴، عطایای روحانی. فصل ۱۵، رستاخیز.

فصل ۱۶، مجموعه مطالب برای کلیسای اورشلیم، و سپس پایان رساله از ۱۶:۵ تا ۲۴ است. بنابراین، از نظر محتوای این رساله، خیلی مرتب و منظم به نظر می‌رسد و ما آن ساختار را خیلی دقیق دنبال خواهیم کرد. بزرگترین چالش، احتمالاً از بسیاری جهات، فصل‌های ۱ تا ۴ خواهد بود زیرا اگر ۱ تا ۴ یک واحد باشد باید به آن به عنوان یک واحد فکر کنیم، و گاهی اوقات تفسیرها می‌توانند بسیار متمرکز بر داده‌ها شوند و از درک کلیت موضوع ۱ تا ۴ غافل شوند.

و ما در مورد آن صحبت خواهیم کرد، همانطور که به آن متون خاص رسیدیم. می‌توانید طرح‌های کلی دیگری را جستجو کنید. من فقط این یک طرح کلی را به شما ارائه دادم.

این یک طرح کلی خیلی آکادمیک نیست، اما طرحی کلی برای رساله دوم قرن‌تیان است. حالا، بیا باید ادامه دهیم، و از آن ساختار کلان خاص، می‌توانید تحقیق خود را انجام دهید و مطالب را در طرح کلی مرتب نگه دارید، همانطور که من انجام خواهم داد. حالا، می‌خواهم شما را با برخی از کتابشناسی‌ها آشنا کنم.

مهم است که مطالعه کنید. به یاد داشته باشید، سه اصل یادگیری عبارتند از خواندن، خواندن، خواندن، تحقیق و تحقیق. هیچ جایگزینی برای آن وجود ندارد.

هیچ کدام از این‌ها از ذهن کسی بیرون نمی‌آید. همه ما به طرق مختلف حق خودمان را ادا کرده‌ایم. وقتی می‌نشینم تا این سخنرانی‌ها را انجام دهم، حتی مثل همین چند روز گذشته، با وجود یادداشت‌برداری، با وجود داشتن درک کلی از بسیاری از چیزها، هنوز هم می‌نشینم و چند تفسیر را می‌خوانم.

بزرگترین استرس من این است که فقط می‌توانم اطلاعات خیلی خیلی کمی در مورد چیزهایی که بررسی می‌کنیم به شما منتقل کنم. خیلی زیاد است. و تفسیرها خیلی هم شبیه خواندن ترکیبی نیستند.

در واقع، اینطور نیست، اما تفاسیر به شما اطلاعات می‌دهند. شما به تفاسیری مراجعه می‌کنید که در مورد جزئیات پاسخ می‌دهند. برخی تفاسیر در ارائه یک ترکیب خوب، کار کمی بهتری انجام می‌دهند.

همانطور که به زودی به شما نشان خواهم داد، کتاب گارلند به همین شکل است. به همین دلیل است که من آن را به عنوان اولین جلد برای کار در قرن‌تیان توصیه می‌کنم. بقیه کتاب‌ها وقتی به اطلاعات نیاز دارید. بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آنها همچنین مقداری خلاصه نویسی خواهند داشت. آنها همزمان با معرفی بخش‌ها، بخش‌های خلاصه‌ای نیز خواهند داشت، اما واقعیت این است که اگر فقط در حال خواندن باشید، می‌تواند بسیار طاقت‌فرسا شود. نه، شما به دنبال اطلاعات هستید و این در مورد بیشتر مطالب خوانده شده شما صادق است.

خواندن برای کسب اطلاعات است. خواندن این نیست که فقط بنشینید و با انبوهی از کلمات کار کنید. حالا، فهرست منابع را انتخاب کنید.

من فهرست منابع موجود برای رساله اول قرن‌تیان را به شدت محدود کرده‌ام تا به طرز مسخره‌ای گیج‌کننده نباشد. چند سایت وجود دارد. ما روز به روز سایت‌های بیشتری از نوع آموزش الکترونیکی دریافت می‌کنیم.

من فقط چند مورد از این موارد را برای شما در اینجا ذکر کرده‌ام که می‌توانید آنها را تماشا و دنبال کنید. تعدادشان زیاد است. مشکل، قضاوت در مورد اعتبار افرادی است که به شما اطلاعات می‌دهند.

این بزرگترین چالش در این عصر کامپیوتری است. من می‌خواهم به برخی از بررسی‌ها یا مقدمه‌های عهد جدید اشاره کنم. تعداد زیادی از این موارد وجود دارد.

یک بررسی اجمالی به شما یک مرور کلی از کل عهد جدید می‌دهد. یک مقدمه به شما یک مرور کلی از عهد جدید می‌دهد، اما معمولاً یک مقدمه به برخی از مشکلات اساسی که در هر یک از کتاب‌ها وجود دارد، با جزئیات بیشتری می‌پردازد. ریموند براون، یکی دیگر از محققان کاتولیک رومی، و من باید اینجا یک کلمه بگویم، فکر می‌کنم چون نمی‌دانم وقتی به این ویدیوها می‌رسید از کجا می‌آیید، اما باید درک کنید که کتابخانه‌های ما پر از کتاب‌های زیادی از افرادی است که ممکن است از سنت شما نباشند.

و بنابراین، از یک طرف، باید از قوه تشخیص استفاده کنید. مفسری که نوشته‌هایش را می‌خوانید کیست؟ تعصب آن مفسر چه خواهد بود؟ اما واقعیت این است که محققان خوب، اول از همه، حقایق خام و داده‌های خام را در اختیار شما قرار می‌دهند. قضاوت آنها در مورد آن داده‌ها معمولاً در پایان بخش‌های نوشتاری‌شان می‌آید.

و بنابراین، ما مطالب بسیار زیادی از طیف بسیار وسیعی از نویسندگان داریم. و برخی از نویسندگان کاتولیک رومی هستند که کار فوق‌العاده‌ای در ارائه اطلاعات به ما انجام داده‌اند. باید توجه داشته باشید که من در حوزه پروتستان قرار می‌گیرم.

من در کلیساهای باپتیست، برخی کلیساهای پرسبیتی، کلیساهای انجیلی و بارها در آمریکا به دلیل فردگرایی شدید که بخش بزرگی از فرهنگ ماست، درگیر بوده‌ام. باپتیست‌ها و دیگران دوست ندارند خود را پروتستان بدانند. می‌توان گفت که از نظر تاریخی، با کمی دقت، به دلیل ماهیت آنچه در اروپا با کالوین، لوتر، زوینگلی و بسیاری دیگر از اصلاح‌طلبان و معترضان اتفاق افتاد، این اتفاق افتاد. معترضان به پروتستان تبدیل شدند.

بنابراین، پروتستان‌ها و لوتری‌ها بخش بزرگی از آن حوزه خاص هستند. اما این طیف وسیع از محققان، از جمله برخی از کاتولیک‌های رومی مانند ریموند براون و جوزف فیتزمایر، دو نامی هستند که هنگام مطالعه کتاب قرن‌تین زیاد خواهید شنید، زیرا آنها آثار مهمی دارند، به ویژه فیتزمایر در تفسیر؛ ریموند براون در زمینه‌های دیگر. ریموند براون کتابی با عنوان «مقدمه‌ای بر عهد جدید» نوشته است.

این احتمالاً یکی از مفصل‌ترین مقدمه‌هایی است که می‌توانید به زبان انگلیسی بر عهد جدید بنویسید. و چیزی است که من آن را تا حد زیادی عمومی می‌نامم. این نوعی اجماع‌سازی است.

این کتاب سعی ندارد یک یا چند دستور کار را پیش برد. مانند هر کتاب دیگری، چیزهایی وجود خواهد داشت که شما با آنها موافق نخواهید بود، اما واقعیت این است که این کتاب، معدن طلای اطلاعات یک مقدمه قدیمی آلمانی به زبان انگلیسی است که بسیار داده‌محور است Kummel است. کتاب

جورج الدون لاد یک مقدمه‌ی مفصل، یک مقدمه‌ی بسیار مفید، و یک الهیات عهد جدید دارد. این کتاب کمی بیشتر با رویکرد الهیات کتاب مقدس نوشته شده است، زیرا عهد جدید را معرفی می‌کند. همچنین سعی می‌کند به هر کتاب عهد جدید به اندازه‌ی خودش پردازد و مطالب را از جاهای دیگر منتقل نکند، بلکه به خود آن کتاب نگاه کند.

این روزها از زمان فوت لاد، این کتاب به نوعی نادیده گرفته شده است. او سال‌های سال یکی از بازیگران اصلی در جنبش انجیلی آمریکا بود، اما حالا که رفته، چیز زیادی در مورد آثارش نمی‌شنویم. هنوز هم اثر بسیار بسیار مفیدی است. من کمی از رالف مارتین استفاده کردم.

او یک اثر دو جلدی در مورد الهیات عهد جدید یا مبانی عهد جدید دارد. بنابراین، اگر آن مجموعه از مقدمه‌ها را در نظر بگیرید، می‌توانید مطالب زیادی در مورد کل عهد جدید و به ویژه در مورد قرن‌تین پیدا کنید، اما از آنجا که ما در یک کتاب کار می‌کنیم، مقدمه‌های شما بر قرن‌تین در درجه اول از تفسیرهایی خواهد بود که شما به عنوان اول قرن‌تین برای مطالعه انتخاب می‌کنید. پس بیایید در مورد آن صحبت کنیم.

حالا، من اینجا طیف وسیعی از نام‌ها را به شما داده‌ام، هرچند خیلی مختصر است. نام اف. اف. بروس همیشه نام خوبی برای مفسران و محققان کتاب مقدس است. او هم اکنون از بین ما رفته است.

من به چامپا و راسنر، «نامه اول به قرن‌تیان» اشاره کرده‌ام. در واقع من آن کتاب را همینجا دارم. این اولین توصیه من برای مطالعه و خرید شما نیست، اما کتاب بسیار مفیدی است.

این چیزی است که به عنوان مجموعه تفسیر ستون شناخته می‌شود، همان ستون، مجموعه عهد جدید ستون، که توسط اردمنز منتشر شده است. به طور کلی، در مجموعه ستون، مانند کار محقق مانند لئون موریس، این یک جلد ترکیبی‌تر است. این نوع تفسیر عمیق‌تر از نوع معمول در مجموعه ستون است.

خیلی مفید، خیلی دقیق و پیچیده است. خیلی مصنوعی نیست، اما تفسیر خیلی خوبی است. اگر لطف کنید، می‌توانید بگویید انجیلی استرالیایی. نمی‌دانم واقعاً می‌خواهند این اصطلاح را ترویج کنند یا نه، اما آنها اهل استرالیا هستند و محققان محافظه‌کار کتاب مقدس خوبی هستند.

تفسیر دیگر توسط گوردون فی است. این نسخه اصلاح‌شده است و بسیار شبیه به نسخه اول به نظر می‌رسد. اگر نسخه اول را دارید، لزوماً لازم نیست برای اولین مطالعه خود نسخه اصلاح‌شده را تهیه کنید، اما با این وجود، اگر آن را نو می‌خرید، حتماً نسخه اصلاح‌شده گوردون فی را تهیه کنید.

گوردون فی در این تفسیر، نسبت به هر تفسیر دیگری، مسائل انتقادی متنی بیشتری دارد. با این حال، این تفسیر بسیار خواندنی است. فی نه تنها یک محقق است، بلکه یک واعظ و فردی بسیار خوش‌برخورد است و اگرچه این یک تفسیر مفصل است، اما هنگام مطالعه اول قرن‌تیان، آن را بسیار خواندنی خواهید یافت و مطالب مفید زیادی برای شما خواهد داشت.

دیگر محققان بزرگ، این اولین کسانی که به شما نشان می‌دهم، تفسیرهای مفصل‌تر جوزف فیتزمایر هستند این در مجموعه تفسیرهای کتاب مقدس انکر، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید است. مجموعه کتاب مقدس انکر گاهی اوقات بسته به دهه‌ای که تفسیر در آن نوشته شده و چه کسی آن را نوشته، پر فراز و نشیب است، اما مطالب برجسته‌ای در مجموعه کتاب مقدس انکر وجود دارد.

در واقع، چیزی به نام فرهنگ لغت کتاب مقدس انکر وجود دارد که یک مجموعه پنج جلدی است. تا جایی که من می‌دانم، این یک ضرورت مطلق در کتابخانه شماست. نکته خوب در مورد فرهنگ لغت این است که می‌توانید آن را به صورت الکترونیکی خریداری کنید، و از آنجایی که به جای تلاش برای مدیریت صدها صفحه، به دنبال مقالات هستید، می‌توانید از آن به صورت الکترونیکی بسیار آسان‌تر استفاده کنید و شاید کمی ارزان‌تر هم باشد.

اگر نرم‌افزار کتاب مقدس لوگوس یا نرم‌افزار کتاب مقدس آکوردنس را دارید، می‌توانید فرهنگ لغت کتاب مقدس انکر را تهیه کنید. من اکیداً این مجموعه را توصیه می‌کنم. این مجموعه توسط طیف وسیعی از محققان نوشته شده است، اما فرهنگ لغت‌ها و دایره‌المعارف‌ها بسیار مهم هستند.

از آنها غافل نشوید، زیرا کاری که آنها انجام می‌دهند این است که اطلاعات زیادی را به شیوه‌ای بسیار ماهرانه در بسته‌های کوچک‌تر فشرده می‌کنند، بنابراین می‌توانید چیزهای زیادی یاد بگیرید. مثلاً اگر متوجه شدید، این ممکن است برای شما عجیب به نظر برسد، و این اولین باری نیست که من برای شما عجیب به نظر می‌رسم، اما واقعیت این است که سال‌ها پیش دانش آموزی پیش من آمد که هر روز صبح کتاب مقدس خود را می‌خواند، اما نگران بودند زیرا به من گفتند که کتاب مقدس خود را با عبادت می‌خوانند، از آنجا دور می‌شوند و تقریباً آنچه را که می‌خوانند فراموش می‌کنند و احساس نمی‌کنند که هیچ تأثیری داشته باشد، تأثیری که آنها می‌خواستند را نداشته باشد. آنها واقعاً می‌خواستند تأثیر بیشتری داشته باشند، و قبل از اینکه چیزی به آنها بگویم، در ذهنم، لحظه‌ای در مورد آن فکر کردم و متوجه شدم دلیل اینکه آنها آنچه را که

خوانده بودند فراموش می‌کردند این است که آنها کلمات را می‌خوانند، اما قانع نمی‌شوند، بنابراین چیزی برای چسبیدن به آنها ندارند، به جز کلمات جداگانه‌ای که در متن می‌خوانند.

شاید افکار عبادی گرمی داشتند، اما چیزی نداشتند که برای آن روز برایشان اساسی باشد. بنابراین، من این را گفتم، و این چیزی است که عجیب است، گفتم، آیا تا به حال به خواندن فرهنگ لغت کتاب مقدس برای عبادات خود فکر کرده‌اید؟ و آنها طوری به من نگاه کردند که انگار من یک دیوانه هستم که نباید به حرف‌هایشان گوش دهند، و من اصرار کردم. گفتم، در طول هفته آینده برگردید و موضوعاتی را که در فرهنگ لغت کتاب مقدس پیدا می‌کنید، بردارید، و بدیهی است که این یک فرهنگ لغت کلمات مانند فرهنگ لغتی نیست که ممکن است به آن فکر کنید، اما در تمام این موارد مقالاتی وجود دارد، و تعدادی از مواردی را که به آنها علاقه دارید جستجو کنید و آنها را در طول هفته بخوانید.

مثلاً، آیا دوست ندارید بدانید که چرا سرزمین اسرائیل، سرزمین کنعان، سرزمین شیر و عسل بود؟ خوب می‌توانید این نوع چیزها را جستجو کنید. می‌توانید جانورشناسی را در فرهنگ لغت کتاب مقدس انکر جستجو کنید که اتفاقاً به این موضوع پرداخته شده است، یا می‌توانید مقدمه‌ای بر یک کتاب را جستجو کنید. شاید بتوانید مقدمه اول قرن‌تینان را در یک فرهنگ لغت کتاب مقدس یا دایره‌المعارف بخوانید.

و بنابراین آن شخص رفت، و یک یا دو هفته بعد دوباره پیش من آمد، و گفت، منظورت را می‌فهمم. وقتی آن مقالات کوتاه را خواندم، چیزهای زیادی در مورد کتاب مقدس یاد گرفتم، و در طول روز، می‌توانستم در مورد آن فکر کنم چون چیزی یاد گرفته بودم. و برای من منطقی بود.

خیلی وقت‌ها وقتی مردم کتاب مقدس را می‌خوانند، بسته به اینکه کجا می‌خوانند، ممکن است از خود بپرسند که این اصلاً یعنی چه. خوب، باید این را باز کنید. اکثر مردم خوانندگان خوبی نیستند که بتوانند این کار را فوراً انجام دهند. و بنابراین آن شخص درسی گرفت.

خوب، آنها مثل ما به خواندن کتاب مقدسشان برمی‌گردند، اما حالا، وقتی دارند کتاب مقدس را می‌خوانند، با خودش فکر می‌کنند که این یعنی چه؟ و حالا من حداقل یک راه دارم که بروم و جواب آن را پیدا کنم. و وقتی این کار را بکنم، آن قسمت از کتاب مقدس برایم خیلی بیشتر از وقتی که فقط به کلمات نگاه می‌کردم و مثل یک گوزن جلوی نور چراغ‌های ماشین می‌نشینم و نمی‌دانم چه می‌خوانم، معنی خواهد داشت. بنابراین، اطلاعات خوب زیادی وجود دارد.

و فیتزمایر در جمع‌آوری اطلاعات مهارت دارد، و آن را ثبت می‌کند. در واقع، او به این افتخار می‌کند که زیاد قضاوت نمی‌کند، اما اطلاعاتی را در اختیار شما قرار می‌دهد که می‌توانید از طریق آنها قضاوت کنید. سپس، تفسیری که به شما ذکر کردم و همچنان به شما ذکر خواهم کرد و اکیداً برای اولین مطالعه شما بر رساله اول قرن‌تینان توصیه می‌کنم، تفسیر دیوید گارلند از رساله اول قرن‌تینان است.

این کتاب توسط انتشارات بیکر منتشر شده است. این کتاب در مجموعه تفسیرهای تفسیری بیکر آنها قرار دارد. بنابراین، تفسیر سبکی نیست، اما گارلند به طور خاص در نگارش روایی مهارت دارد.

بنابراین، در میان ارائه تفسیر عالی، آن را کمی بیشتر به شکل روایی درآورده است که درک آن آسان‌تر است. شما تصویر کلی، تصویر ترکیبی را دریافت می‌کنید. در ابتدای هر بخش، او خلاصه‌ای عالی از بخشی که قرار است بخوانید، ارائه می‌دهد.

برای مثال، توصیه می‌کنم وقتی برای گوش دادن به این نوارها در هر بخش آماده می‌شوید، خلاصه‌ای از گارلند را بخوانید تا خلاصه و نمای کلی آن بخش را به شما ارائه دهم. و سپس در مورد آن صحبت خواهم

کرد. سپس، می‌توانید به سوالاتی که دارید برگردید و جزئیات را از گارلند یا هر مورد دیگری که ممکن است تصمیم گرفته باشید برای خواندن اول قرن‌تین انتخاب کنید، استخراج کنید.

حالا، کتاب‌های دیگری هم اینجا هستند که قابل استفاده و مفیدند. می‌خواهم به سراغ تالبرت بروم، کتاب کوچکش به نام «مطالعه قرن‌تین» که آن را برای آوردن اینجا نیاوردم. اما می‌توانید ببینید که «مطالعه قرن‌تین» توسط انتشارات کراسرود منتشر شده است.

یک تفسیر ادبی و الهیاتی. تالبرت با یک تفسیر معمولی متفاوت است. شما برای یافتن اطلاعات در مورد یک عبارت به تالبرت مراجعه نمی‌کنید، همانطور که در سایر جلدها این کار را می‌کنید.

شما برای کسب اطلاعات در مورد آیات ۱ تا ۹، فصل‌های ۱ تا ۴ و فصل‌های ۵ تا ۶ به تالبرت مراجعه می‌کنید. او به این واحدها نگاه می‌کند تا ببیند پولس چگونه آنها را کنار هم قرار داده است. تالبرت اینطور است، تالبرت کمی جنبه‌ی منفی دارد.

او کسی است که من گاهی اوقات او را دیوانه‌ی کیاستیک می‌نامم. بعداً در مورد کیاست‌ها با شما صحبت خواهم کرد. این یک روش ژانر ادبی است که نویسنده برای برقراری ارتباط با مخاطب از آن استفاده می‌کند.

و گاهی اوقات او با این کار از کوره در می‌رود. اما واقعیت این است که به شما کمک می‌کند منطق چگونگی کنار هم قرار گرفتن مطالب را ببینید. بنابراین، من آن را توصیه می‌کنم.

تیسلتون «آخرین تفسیری است که اینجا روی میزم دارم. این تفسیر از بسیاری جهات سنگین است. این» تفسیر توسط اِردمنز ارائه شده است.

این اولین تفسیر شما نیست. من یک داستان کوچک برای شما تعریف می‌کنم که ممکن است به آن علاقه داشته باشید. ممکن است هیچ یک از این افراد را نشناسید یا از کسانی که در موردشان صحبت می‌کنم اطلاعی نداشته باشید.

اما یک بار با گروهی از محققان مدرسه‌ام به همراه جوزف فیتزمایر برای ناهار بیرون رفته بودم. ما در موسسه‌مان یک سری برنامه‌هایی در مورد طومارهای قمر داشتیم. و فیتزمایر متخصص عهد جدید در رابطه با مطالب قمر است.

و او قرار بود آن شب در شهر سخنرانی کند. و بنابراین، ما او را برای ناهار بیرون بردیم. و تفسیر تیسلتون تازه منتشر شده بود.

و من داشتم به آن نگاه می‌کردم و تفسیر مفصلی بود. کمی با برخی تفسیرها متفاوت است، خیلی با فیتزمایر متفاوت است. به جای اینکه فقط به معنای زبان در اینجا و نحوه استفاده از این زبان پردازد، به مسائل تفسیری زیادی می‌پردازد.

فیتزمایر گفتم، داشتم سعی می‌کردم چیزی به او بگویم که خودم را شرمندانه نکنم. و بنابراین از او پرسیدم که نظرش در مورد تفسیر جدید تیسلتون که تازه منتشر شده بود چیست. او داشت غذا می‌خورد و فقط کمی غرغر می‌کرد.

و او دو کلمه گفت و سپس به خوردن ادامه داد. دو کلمه او در مورد تفسیر تیسلتون این بود، بیش از حد هرمنوتیکی. بگذارید دوباره بگویم، بیش از حد هرمنوتیکی.

بسیار خوب، حالا فقط همین را گفت. اما من حرفش را گرفتم و شاید شما هم بتوانید کمی از آن را بفهمید. منظورش این بود که تیستلتون بیشتر از اینکه صرفاً به متن پردازد، به بررسی تمام تفاسیر متن علاقه‌مند بود.

اگرچه بدیهی است که علاقه زیادی به خود متن وجود دارد، زیرا این متن است که تفاسیر را ایجاد می‌کند. اما این نویسندگان، فیتزمایر و تیستلتون، سبک‌های بسیار متفاوتی دارند و همچنین در سنین مختلفی هستند. فیتزمایر که اکنون فوت کرده است، بسیار مسن‌تر است.

فیتزمایر مثل جو فرایدی در آن سریال تلویزیونی کارآگاهی آموزش دیده بود. واقعیت‌ها، فقط واقعیت‌ها. این چیزی است که فیتزمایر دنبالش است.

او انواع اطلاعات در مورد کلمات، عبارات و نحوه‌ی نگاه به آن عبارات را به شما خواهد داد. راستش را بخواهید، تیستلتون شما را به سطح دیگری خواهد برد. بنابراین، اینطور نیست که بتوانید از یکی یا دیگری استفاده کنید، اما به هر دوی آنها نیاز دارید.

تیستلتون به تفسیرهای کلان و گسترده‌ی مختلف از آن عبارات و کلمات و اصول تفسیری هرمنوتیکی پشت آن خواهد پرداخت. بنابراین، فقط یک داستان کوچک از درون [متن] است. برای من این یک شوخی است.

، شاید به نظرتان خنده‌دار نباشد، اما در عین حال، شنیدن صحبت‌های یک معلم بسیار محترم، فیتزمایر در مورد یک مفسر دیگر، لحظه بسیار جالبی در سفر معلمی من بود. مطمئنم که آنها یکدیگر را می‌شناسند و در سطوح مختلف با هم در ارتباط بوده‌اند. شاید تیستلتون هرگز چنین چیزی از او نشنیده باشد، اما من تعجب خواهم کرد.

به احتمال زیاد، او می‌دانست فیتزمایر در مورد تفسیرش چه فکر می‌کند. نه اینکه فکر کند بد است، بلکه فقط فکر می‌کرد که بیش از حد هرمنوتیکی است. خب، از همه اینها که بگذریم، چه متوجه شده باشید چه نشده باشید، باید به شوخی‌های من بخندید.

من کتاب‌های زیادی ندارم. پس، یک لحظه وقت بگذارید و به این یکی بخندید. یک نکته دیگر در مورد کتابشناسی، و آن این است که یکی از نویسندگان مورد علاقه من در سال‌های اخیر بروس وینتر است.

وینتر. بروس وینتر. این در کتابشناسی شما در پایین صفحه ۴۸ است.

و متوجه خواهید شد که او چندین مورد اینجا دارد و همه آنها ارزش خواندن دارند. وینتر سرپرست مدرسه بود. سرپرست مدرسه به معنی مدیر یا رئیس است، بسته به اینکه از نظر نامگذاری مدرسه از کجا آمده باشید.

اما او سرپرست خانه تیندل در کمبریج انگلستان بود. خانه تیندل محل کتابخانه و مربیان و دانشجویانی بود که بخشی از دانشگاه کمبریج بودند. دانشگاه کمبریج یک ساختمان نیست.

دانشگاه کمبریج کنسرسیومی از مدارس و نهادهای دیگری مانند خانه تیندل است و این گروه دانشگاه کمبریج را تشکیل می‌دهد. خانه تیندل یک موسسه انجیلی انگلیسی است، می‌توانیم آن را به عنوان یک مرکز مطالعات کتاب مقدس بسیار جدی در نظر بگیریم. هدف اصلی آنها راهنمایی دانشجویان دکترا در دانشگاه کمبریج است که به کتاب مقدس احترام می‌گذارند و مسائل را نسبتاً از دیدگاه انجیلی انگلیسی درک می‌کنند.

، وینتر و دیگران آنجا بودند تا این دانش‌آموزان را راهنمایی کنند و به آنها مکانی برای مطالعه و یادگیری بدهند، و به روشی بسیار واقعی، آنها را مجبور کنند تا متوجه شوند که در میان تمام یادگیری‌هایشان، باید به خدمت نیز فکر کنند. هدف نهایی چیزهایی که یاد می‌گیریم چیست؟ و آن این است که باید برای کلیسا مفید باشد. و خانه تیندل در این زمینه کار بزرگی انجام می‌دهد.

اینجا به نوعی کم‌لوت من است، از نظر مکانی برای مطالعه جدی متون مقدس. اما «بعد از اینکه پولس قرنتس را ترک کرد» کتابی از وینتر است که در آن درباره متون خاصی از کتاب اول قرنتیان می‌نویسد. و او درباره آنها می‌نویسد تا پیشینه و تأثیر روم بر آنچه در آن زمینه‌های خاص اتفاق می‌افتاد را برجسته کند.

این از آن نوع کتاب‌هایی است که می‌توانید بنشینید و فصل را بخوانید. این کتاب مانند یک تفسیر نیست که به دنبال عبارات باشد، بلکه نگاهی ترکیبی به چگونگی قرارگیری یک زمینه در دنیای پولس، در دنیای قرنتیان و معنای آن دارد تا بتوانیم انتقالی مشروع به آنچه می‌خواهیم بگوییم که در شرایط فعلی ما به چه معناست، داشته باشیم. بنابراین، من بروس وینتر را اکیداً توصیه می‌کنم.

شما در نهایت باید تمام جلد‌های او را داشته باشید و آنها را بخوانید. ویرایش دیگر، جلد‌های دیگری که او دارد، در مورد بخش‌های خاصی است. آنها فقط در مورد یک کتاب نیستند.

، من به خصوص «به دنبال رفاه شهر باشید» را دوست دارم. اگر در حوزه رساله‌های شبانی کار می‌کنید تعدادی مقاله مفید از وینتر در آن جلد خاص در مورد رساله‌های شبانی وجود دارد. خوب، اینها کتاب‌هایی هستند که من زیاد به آنها نگاه می‌کنم و هر از گاهی در حین بررسی شرایطم از آنها استفاده خواهم کرد.

اما همانطور که می‌توانید تصور کنید، من حتی نمی‌توانم دستم را به آنجا دراز کنم و این حجم از کتاب‌هایی را که برایتان بررسی کرده‌ام، بدون اینکه دچار فتنه شوم، بلند کنم. و هیچ راهی وجود ندارد که بتوانم حتی ذره‌ای از اطلاعات موجود در این کتاب‌ها را به شما منتقل کنم. من با هر تصویری، اطلاعاتی را که در این کتاب‌ها وجود دارد، جذب کرده‌ام.

من مقدار زیادی از آن را خوانده‌ام و آرزو می‌کنم که می‌توانستم هر آنچه را که می‌خوانم، کاملاً و دقیق حفظ کنم. اما اینها چیزهایی هستند که بر تفکر من تأثیر گذاشته‌اند و باعث شده‌اند که من از دریچه آنها و با دریچه‌های خودم به متن نگاه کنم و در مورد معانی متن به نتیجه‌گیری‌هایی برسم. اکنون، فهرست منابع مربوط به دوم قرنتیان را نیز برای شما آورده‌ام.

وارد این بحث نمی‌شوم، اما اطلاعاتی در آن وجود دارد که می‌توانید نگاهی به آن بیندازید. خوب، به پایان دفترچه یادداشت‌مان رسیدیم، دفترچه یادداشت شماره ۵، که پایان معرفی رسمی ما بود. ما در آن مطالب مقدماتی در دفترچه یادداشت شماره ۵ به موارد زیادی پرداختیم و امیدوارم آن را مرور کنید.

، اگر اسلایدهای مربوط به اسکندر کبیر و اسلایدهای مربوط به رساله اول قرنتیان در سایت موجود باشد، که امیدوارم تا زمانی که این مطالب را دریافت می‌کنید، موجود باشد، پس برای کار کردن روی دفترچه یادداشت شماره ۵ و تمام چیزهایی که در آن وجود دارد، کارهای زیادی باید انجام دهید. و امیدوارم که با انجام این کار، در حال ایجاد آگاهی باشید. من به طرق مختلف به این اصطلاح باز خواهم گشت.

شما در حال ایجاد آگاهی از این هستید که زندگی در قرنتس، گوش دادن به پولس چگونه می‌بود، و همچنین آگاهی از مجموعه عظیم ادبیاتی که ما افتخار خواندن آنها را داریم تا به ما در درک جزئیات مهم نوشته‌های پولس به قرنتیان کمک کند. خوب، این چیزی حدود ۴۰ تا ۴۵ دقیقه می‌شود. بنابراین، این نقطه توقف خوبی است تا اینکه به فصل ۱ از رساله اول قرنتیان پردازیم.

صبر می‌کنم و این کار را در ارائه بعدی انجام می‌دهم. خوب، این پایان چیزی است که ما آن را یک مقدمه معمولی می‌نامیم، شاید خیلی معمولی نباشد، اما می‌توانید، مطالعه‌ای که انجام می‌دهید، چیزهایی که گفتیم، امیدوارم شما را تحریک کند تا این زمینه را بسازید، این زمینه، به طوری که وقتی وارد اول قرن‌تیان می‌شوید، سرد به آنجا نروید، بلکه گرم شده باشید. من سال‌ها پیش معلمی داشتم

اسمش هربرت بس بود. او استاد عهد عتیق بود. و او، می‌دانید، اگر دستش را قطع می‌کردید، عهد عتیق را خونریزی می‌داد.

او استادی بسیار آموزش‌دیده و بسیار آرام بود. او عاشق عهد عتیق بود. بدون هیچ یادداشتی وارد کلاس می‌شد و شما صفحات دفترچه‌تان را پر می‌کردید، زیرا او در مورد جنبه‌های خاور نزدیک باستان و عهد عتیق و چگونگی ادغام همه این موارد سخنرانی می‌کرد.

و او کلی حرف‌های جالب و بامزه داشت. ما اغلب از او می‌پرسیم، دکتر بس، چرا در مورد این چیزهایی که به ما یاد می‌دهی کتابی ننوشتی؟ و نظر او معمولاً به ما این بود که خوب، ترجیح می‌دهم مردم از من بپرسند. که چرا آن کتاب را ننوشتی تا اینکه چرا زحمتش را کشیده‌ام. و در آن لحظه باید خندید

این هم یک شوخی دیگر است. اما او خیلی جدی بود چون رشته‌ای را که تدریس می‌کرد، می‌فهمید و آنقدر چیزهای زیادی در مورد آن می‌دانست که مثل همه ما، غرق در آن شده بود. و احتمالاً از خودش پرسیده بود، خوب، من چه کمکی می‌توانم بکنم؟ برو آن کتاب‌ها را بخوان

و من تفسیری بر رساله اول قرن‌تیان ننوشتی، و با توجه به مسیر زندگی‌ام و جایگاه فعلی‌ام در زندگی، این اتفاق نخواهد افتاد. با اینکه در طول سال‌ها مطالب زیادی در مورد این کتاب خوانده‌ام و مطالعه زیادی کرده‌ام و عاشق کتاب اول قرن‌تیان هستم، اما مانند بسیاری از اساتید حوزه آموزش کتاب مقدس، کتابی ندارم که بتوانم برای شما ارسال کنم. بنابراین، شما را برای دوستانم ارسال می‌کنم

، من بعضی از آنها را می‌شناسم، اما همه آنها را از نوشته‌هایشان و سهم بزرگی که در زندگی من داشته‌اند می‌شناسم. و امیدوارم بتوانم بخشی از آن را به شما منتقل کنم. هر یک از اشتباهات و اظهارات نادرست، به عبارت دیگر، از من خواهد بود و نه از آنها.

اما امیدوارم دانش‌آموزی باشی که کتاب‌هایی را برای خودت جمع کنی که تبدیل به دوستانت شوند، تا بتوانی آن چیزها را با دیگران به اشتراک بگذاری. بنابراین دفعه‌ی بعد، دفترچه یادداشت شماره‌ی شش را بردار، و به اول قرن‌تیان، فصل ۱، آیات ۱ تا ۹، که آغاز رساله‌ای نامه‌ی اول قرن‌تیان است، نگاهی خواهیم انداخت. روز خوبی داشته باشید.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۸، ادامه مقدمه‌ای بر اول قرن‌تیان و ساختار اول قرن‌تیان است.